

ادراک معلمان از چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از

پدیده چند فرهنگی

محمد راهسار^۱، سارا نصیری^۲

چکیده

مقدمه و هدف: تنوع و تکثر جامعه ایران در ابعاد مختلف قومی، نژادی و فرهنگی مستلزم آن است که به نحوی شایسته و مقتضی در برنامه‌های درسی و آموزشی مورد توجه قرار بگیرد. هدف این تحقیق ادراک معلمان از چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی بود.

روش‌شناسی پژوهش: روش پژوهش کیفی، و مشارکت‌کنندگان شامل ۲۰ نفر از معلمان آموزش و پرورش بودند. رویکرد نمونه‌گیری، هدفمند و روش نمونه‌گیری صاحب‌نظران کلیدی بود. گردآوری اطلاعات تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. ابزار پژوهش مصاحبه نیمه ساختارمند بود.

یافته‌ها: با استفاده از روش تحلیل مضمون ابتدا مصاحبه‌های ضبط شده به صورت مکتوب درآمده سپس با یادداشت‌های برداشته شده طی جلسات مصاحبه‌ها تکمیل شده است. پس از آن با مطالعه دقیق متون، ابتدا برای هر یک از مصاحبه‌های تهیه شده، همه ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه شناسایی شده و به هر کدام یک کد اختصاص داده شده است. دو مضمون فراگیر شکاف فرهنگی، توسعه آگاهی از چندفرهنگی و همچنین ده مضمون سازمان‌دهنده و پنجاه و یک مضمون پایه را درباره ادراک معلمان از چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی کشف نمود.

بحث و نتیجه‌گیری: یکی از ویژگی‌های فرهنگ آموختنی بودن آن است که به منظور جلوگیری از نابودی آن انتقال آن از نسلی به نسل دیگر اهمیت می‌یابد. آموزش و پرورش و به خصوص معلمان، در انتقال فرهنگ به شیوه صحیح و انتخاب عناصر فرهنگی مناسب نقشی مهم ایفا می‌کنند معلمان با متمایز کردن ارزش‌های مناسب از ارزش‌های نامناسب و متبلور ساختن سنت‌ها و اعتقادات ناب در وجود دانش‌آموزان، در حفظ استقلال فرهنگی و بازسازی فرهنگی هر کشور تاثیر گذارند. در واقع معلم عصر حاضر مسئولیتی فرهنگی در جامعه دارد.

واژه‌های کلیدی: ادراک، پدیده چند فرهنگی، معلمان

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی و مدرس دانشگاه فرهنگیان کازرون، نویسنده مسئول mohamad65rahsar@gmail.com شماره تماس: ۰۹۳۵۱۳۵۸۵۷۸
^۲ کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

مقدمه

برنامه‌های درسی هر کشور عامل مهمی در نظام آموزش و پرورش آن کشور محسوب می‌شوند. تصمیمات برنامه ریزان درسی در خلاء صورت نمی‌گیرد، بلکه این تصمیمات در محیط جامعه و برای جامعه اتخاذ می‌شود (ساک^۱، ۲۰۲۰). بنابراین جامعه همواره نقشی اساسی در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌های درسی داشته است. از آنجایی که جامعه در حال تغییر روزافزون است، تغییرات آن و ارتباط آن با مدارس تاثیر فزاینده‌ای را در برنامه‌های درسی به خصوص برنامه درسی دوره ابتدایی خواهد داشت. در پرتو آموزش و پرورش یک جامعه عامه مردم می‌توانند به سمت فرهنگ غنی‌تر و توسعه حرکت کنند (نفا^۲، ۲۰۲۰). امروزه جوامع به سرعت در حال تغییر و دگرگونی هستند. و به تبع این تغییرات وظایف افراد و کارکردهای آنان نیز در جامعه تغییر پیدا می‌کند. در این شرایط متغیر این مدارس هستند که باید دانش‌آموزان را برای ایفای نقش موثر در جامعه آماده کنند (کیدان^۳، ۲۰۲۰). دوره ابتدایی اولین سطح آموزش رسمی به عنوان شکلی از آموزش برای دانش‌آموزان است. در این دوره برنامه‌هایی که در سطح مدارس برای دانش‌آموزان تدارک دیده می‌شود، متنوع اند و هر کدام جنبه‌های خاصی از انتظارات آموزشی را محقق می‌سازند. یکی از موضوعات مهم در این دوره حساس، برنامه درسی علوم است که یادگیری و درک آن برای اثرگذاری بیش‌تر موفقیت دانش‌آموزان مورد تاکید است. تدوین برنامه درسی علوم یک روند مداوم و مهم برای همگام شدن با تحولات جهانی معاصر است. بنابراین نظام‌های آموزشی به دنبال این هستند تا منابع تالیف شده در حوزه‌های محتوایی گوناگون و بالاخص برنامه درسی را با روش‌های کارآمدتری در کلاس درس اجرا نمایند (نجفی، عابدی صدقیانی، معصومی نژاد، ۱۴۰۱). همچنین کشور ایران دارای اقوام مختلف و متکثر با فرهنگ‌ها و آداب و رسوم مختلف است. ضرورت آشنایی با این اقوام از یکسو و وحدت بین آنها از سوی دیگر، بسیار مهم است و قطعاً آشنایی با فرهنگ‌های مختلف این قومیت‌ها در راستای انسجام و وحدت ملی می‌باشد؛ چراکه تنوع قومی پهنه فرهنگی کشورمان می‌تواند به عنوان یک امتیاز در جهت تقویت فرهنگ ملی محسوب گردد. هرچند که متخصصان تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی معتقدند مطالعه میراث فرهنگی اقوام و آداب و رسوم و عقاید آنها از موضوعات ضروری محسوب می‌شود و مسئله قومیت نیز بر طبق نظر فکوهی یکی از مهمترین مسائل اجتماعی-سیاسی معاصر به شمار می‌آید، لیکن این مهم، عمدتاً در حوزه سیاسی متبلور شده و در حوزه تربیتی مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در حالی که آموزش و پرورش رسمی می‌تواند با استفاده از محتویات مناسب برنامه‌های درسی موجب ترویج و برجسته نمودن فرهنگ کشور گردد. بورديو معتقد است که بازتولید فرهنگی (ناشی از آموزش و پرورش) یکی از مهمترین راه‌هایی است که از آن طریق ساختار طبقاتی بازتولید می‌شود و به عبارت دیگر، باز تولید اجتماعی از طریق نهادهای آموزشی صورت می‌گیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷).

در نظام آموزش و پرورش رسمی هر کشور، دوره ابتدایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. دوران ابتدایی در رشد مفاهیم و معانی اموری که در زندگی روزمره با آنها سروکار دارد، نقش مهمی را ایفا می‌کند. دوره‌ی ابتدایی به دلیل اهمیت خاص در روند تکوین شخصیت فرد و توسعه جامعه حساسیتی فوق‌العاده دارد و به جرات می‌توان گفت هیچ یک از دوره‌های تحصیلی از چنین اهمیتی

¹ Sak

² Neff

³ Kidane

برخوردار نیستند. کودک در این دوره ویژگی های خاص بدنی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی را داراست و اگر با ناکامی تحصیلی روبه رو شود، در تمام دوره های تحصیلی دچار اشکال خواهد بود. بنابراین نهاد تعلیم و تربیت وظیفه فراهم کردن محیطی امن و غنی برای آموزش دانش و مهارت های مورد نیاز، کمک به حسن روابط اجتماعی، رشد عاطفی، خوددارکاری دانش آموزان و ارتقا تفاهم جهت رشد و شکوفایی را برعهده دارد. درآموزش سنتی مرسوم کشور ما برخی از اصول یادگیری مورد توجه قرار نمی گیرد، مثلا یادگیری به منزله کسب دانش و اطلاعات قلمداد شده و تغییر رفتار یادگیرنده در نظر گرفته نمی شود. به عبارت کلی تر این شیوه نمی تواند برای تمام جنبه های تعلیم و تربیت کافی باشد. در دوره ی ابتدایی، ادراک یک معلم باید به گونه ای باشد که توانایی آموزش همه درس ها را داشته باشد و آموزش مفاهیم و مهارت های درس های مختلف را در طول سال تحصیلی به گونه ای سامان دهد که دانش آموزان نگرش ها و تجربه های مورد نیاز برای زندگی را به دست آورند(کاشینیان، ۱۴۰۰). بر اساس مطالب ذکر شده می توان گفت ماموریت اصلی رویکرد برنامه درسی چند فرهنگی، طراحی و تدوین برنامه های درسی با ویژگی های چندفرهنگی است بدین معنی که ضمن گنجاندن صدای همه فرهنگ ها و ارزش گذاشتن به آنها سعی در ایجاد وحدت در عین کثرت دست تفاهم و تعامل میان آنهاست تا بدین طریق بتوان به هدف دست یافت. در برنامه درسی چند فرهنگی مهم ترین عاملی که مورد توجه قرار می گیرد خود فراگیر است این برنامه درسی می تواند فراگیر را در زمینه های زیر مورد توجه قرار دهد از جمله ایجاد حس احترام و غرور در افراد نسبت به تنوع فرهنگی قومی و منطقه ای به هدایت افراد در یک جهت زندگی مولد از طریق آموزشی تا حد ممکن به دور از طبقه بندی می باشد. با توجه به این جایگاه و اهمیت است که نظام های فرهنگی و آموزشی کشورهای گوناگون جهان بسته به نوع ساختارهای اجتماعی و سیاسی خود تلاش می کنند تا با اتخاذ سیاست ها و تدابیری خاص، رویکرد مورد نظر خود را نسبت به پدیده چند فرهنگی اجرا کنند. ایران نیز یک جامعه چندفرهنگی است که تنوع فرهنگی، قومی و زبانی تقریبا در تمامی شهرها و استان های آن وجود دارد(خصالی، ۱۳۹۴). محمدی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر ادراک معلمان دوره ابتدایی شهرستان میاندوباب از نظر کنترل بر تصمیمات برنامه درسی پرداختند، و نتایج این تحقیق در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می دهد که بین عواملی موثر بر ادراک معلمان (توجه معلم، باور معلم و دانش معلم) دوره ابتدایی شهرستان میاندوباب و کنترل تصمیمات برنامه درسی رابطه وجود دارد و با توجه به ضریب تشخیص می توان بیان نمود که ۷۲،۴ درصد تغییرات کنترل تصمیمات برنامه درسی، توسط تغییرات در عواملی موثر بر ادراک معلمان (توجه معلم، باور معلم و دانش معلم) تبیین می شود. قاسمی پورمارمی(۱۴۰۱) در پژوهش خود با عنوان ادراک معلمان چندپایه ابتدایی دارای نوآموز پیش دبستانی از مولفه های برنامه درسی سیاسی در شکل گیری هویت فرهنگی نوآموزان پیش دبستانی پرداخته، یافته های پژوهش نشان می داد که پیش دبستان چندپایه محلی برای نگهداری و آشنایی نوآموز از محیط مدرسه است و پیش دبستانی چندپایه صرفا نابرابری های بازتولید شده در جوامع سرمایه داری را توجیه می کند. علی رغم اهمیت برنامه درسی سیاسی در شکل گیری هویت فرهنگی نوآموزان، برنامه درسی سیاسی در دوره پیش دبستان مورد توجه معلمان نیست و می توان گفت مولفه های برنامه درسی سیاسی نقشی در آموزش های معلمان این دوره ندارند. تربیتی نژاد (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان بررسی مشکلات و چالش های آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی چند فرهنگی شهرستان سرخس پرداختند و یافته های تحقیق نشان داد که، مولفه "عدم تسلط به زبان فارسی و مشکلات در بیان و انتقال مفاهیم درسی" نشان دهنده بیشترین توافق معلمان در شناسایی مشکلات و چالش های آموزشی مدارس ابتدایی چندفرهنگی شهرستان سرخس از دیدگاه آنهاست. همچنین،

مولفه " احساس حقارت به دلیل داشتن لهجه " نشان دهنده بیشترین توافق معلمان در شناسایی مشکلات و چالش های تربیتی مدارس ابتدایی چندفرهنگی شهرستان سرخس از دیدگاه آنهاست. فرخنده (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان تبیین معنای گفتمانی بودن برنامه درسی از منظر هنری آرماند ژيرو و پيجویی نگاه چندفرهنگی وی در کتاب فارسی بخوانیم کتاب اول ابتدایی پرداختند و یافته های پژوهش در شش تحلیل آورده شده است: تحلیل ۱. قدرت و دانش در کنار هم قرار می گیرند و یک ایدئولوژی خاصی را ایجاد میکنند و یک دانش خاصی را در برنامه درسی ایجاد می کنند. این اقدام باعث می شود در مدرسه یک معنای خاصی از هویت، ارزش و امکان ساخته شود. تحلیل ۲. یک روایت خاص، یک فرهنگ خاص در کانون قرار می گیرد و مابقی روایت ها و فرهنگ ها را پس می زند، و این روایت و فرهنگ خاص برنامه درسی و آموزشی ما را شکل می دهد. تحلیل ۳. فرآیند قدرت طرد کننده هم هست و باعث می شود ما لایه هایی از حقیقت را از دست بدهیم، صدای روایت های خاص در برنامه درسی و برنامه آموزشی شنیده نشود. تحلیل ۴. نظریه مقاومت ژيرو معتقد است که باید به قلب گفتمان مسلط زد و آن را واسازی کردو به سمت گفتمانی حرکت کرد که به همه فرهنگ ها اهمیت داده می شود. تحلیل ۵. در این دیدگاه برای رهایی بخشی برنامه درسی به گونه ای باشد که شاگرد به این موضوع پی ببرد که من سوژه گفتمان مسلط هستم و حال باید تغییراتی ایجاد کنم و حال باید کنشگری و عاملیت من رخ بدهد. تحلیل ۶. رهایی بخشی برنامه درسی باید سواد انتقادی را پرورش بدهد تا قدرت و جرئت مبارزه را برای در مقابل قدرت قرار گرفتن را به ما بدهد. عقیلی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان ضرورت های برنامه درسی چند فرهنگی در دوره ابتدایی: تبیین ویژگی ها براساس رویاورد تلفیق پرداختند و نشان دادند که همپوشانی ضعیف محتوای کتاب با راهنمای درسی و توزیع نامتوازن، غیرهدفمند، و ناکافی مولفه های برنامه درسی چندفرهنگی در برنامه درسی از نتایج این پژوهش بود. بر اساس نتایج به دست آمده، غلبه داشتن روی آورد آموزش مهارت کاوشگری، حل مسئله و تفکر انتقادی جهت ارائه محتوای برنامه درسی پیشنهاد می شود. عاشوری (۱۳۹۹) در مقاله ای با عنوان بررسی میزان تاثیر آموزش مولفه های چندفرهنگی در ارتقای سواد چندفرهنگی دانش آموزان ششم ابتدایی شهر تهران پرداختند و نتایج حاصل از پژوهش نشان داد میزان سواد چندفرهنگی دانش آموزان در هرشش مولفه بعد از آموزش ارتقا یافته است که این افزایش در مولفه های "همزیستی مسالمت آمیز" و "ارتقا درک وتحمل" بیشتر از سایر مولفه ها بوده است. سبحانی نژاد (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان دلالت های برنامه درسی چندفرهنگی میشل فوکو و هنری ژيرو براصلاح و بازطراحی برنامه درسی دوره ابتدایی ایران پرداختند و یافته های پژوهش نشان دادند که بر اساس آراء تربیتی فوکو و ژيرو می توان مواردی همچون تجزیه وتحلیل دیالکتیکی تجارب روزمره، تعلیم و تربیت مرزی، تحقق عدالت تربیتی، کسب توانایی همزیستی، آگاهی انتقادی، پیشگیری و مقاومت در برابر بازتولید نابرابری اجتماعی، شنیدن و توجه کردن به صدای گروه ها و نژادهای مختلف جامعه، رویگردانی از نخبه گرایی و حرکت در راستای توجه به فرهنگ عمومی، توجه به گفتمان های اخلاقی و ... را در راستای سیاست گذاری اصلاح گرایانه و بازطراحی عناصر برنامه درسی دوره ابتدایی ایران مورد توجه قرار داد. محصول نهایی یا خروجی این نوع از برنامه درسی از نظر فردی به یادگیرنده ای رشد یافته و از نظر اجتماعی به شهروندی فعال در سطح محلی، ملی و جهانی مبدل می شود.

کراتو^۱ (۲۰۲۰) به این نتیجه رسید که آموزش چندفرهنگی شامل کنجکاوی فکری، انتقاد از خود، توانایی تشکیل یک نظر مستقل با ارزیابی استدلالها و مدارک، احترام نسبت به دیگران، حساسیت به شیوه های دیگر تفکر و زندگی و فعالیتها است که با هدف دور شدن از ذهنیت قومی گام برمیدارد. بسیار مهم است که احترام به فرهنگ های مختلف بنا نهاده شود و آگاهی افراد از طریق ایجاد یک محیط مناسب برای درک متقابل به منظور ارتقاء و بهبود چند فرهنگ گرایی افزایش یابد. والندر^۲ (۲۰۲۰) نشان داد، معلمان از روش های متنوعی در اجرای آموزش چند فرهنگی نظیر نصیحت، توضیح، صحبت کردن، داستان گوئی، سخنرانی و بحث بهره برده اند برمر^۳ (۱۹۹۵) اذعان دارند که برنامه درسی بین المللی به فعالیتهای بین المللی از قبیل؛ برنامههای مطالعات خارج از کشور، دوره های تحصیلی زبان خارجی، برنامه های بین رشته ای یا منطقه ای، تدارک برنامه ها یا دوره های آموزشی با تمرکز و مقایسه بین المللی یا بین فرهنگی اشاره دارد.

تنوع و تکثر جامعه ایران در ابعاد مختلف قومی، نژادی و فرهنگی مستلزم آن است که به نحوی شایسته و مقتضی در برنامه های درسی و آموزشی مورد توجه قرار بگیرد. در شرایط موجود و حاکم بر نظام آموزش و پرورش ایران، سیطره و حاکمیت یک برنامه درسی عام و همگانی که اصولاً نسبت به تفاوتها و تنوعات ذاتی جامعه ایران خنثی و بی تفاوت می باشد، بیش از هر چیز با مقتضیات و واقعیات عینی و تاریخی این جامعه در تعارض است. و از طرفی آموزش و پرورش در مدرسه تحقق مییابد؛ نهاد اجتماعی ویژه ای که به منظور پروردن مهارتها، دانشها و ارزشهای مطلوب در متعلمان تأسیس شده است؛ در دوره ابتدایی که یکی از مهم ترین دوران تحصیل در نظام آموزشی است، اگر قرار است برنامه درسی مدارس ابتدایی در شکوفایی تواناییها و بهتر کردن زندگی مؤثرواقع افتد باید برنامه آن متناسب با زمان، مکان و سایر شرایط اجتماعی باشد. کشور ایران، در طول تاریخ زیستگاه گروههای مختلف قومی و نژادی و زبانی و مذهبی و... بوده و بر مبنای تعریف پارخ میتوان گفت جامعه ای که در آن چندین فرهنگ امکان هم زیستی در کنار هم مییابند جامعه ای چندفرهنگی است، بر این اساس ایران یک جامعه چندفرهنگی است. اساساً در یک جامعه چندفرهنگی، صداها و مختلفی وجود دارد که ضرورت دارد به همه آنها به نوعی توجه شود، به "دیگری" جامعه توجه شود و شرایطی برای رشد و پیشرفت و همزیستی مسالمت آمیز میان اقوام و گروه های فرهنگی مختلف پدید آید و این مهم از شاهراه آموزش چندفرهنگی می گذرد. آموزش چندفرهنگی، شامل سیاستهای آموزشی و شیوه هایی برای رفع نیازهای آموزشی گروههای گوناگون دانش آموزان، باهدف شکوفایی تنوع فرهنگی و برابری اجتماعی، ارائه فرصتهای برابر تحصیلی برای یادگیرندگان از نژادهای مختلف، قومیتها و گروههای اجتماعی؛ بهبود دیالگ بین گروههای مختلف دانش آموزان؛ درک و قدردانی از تفاوتهای فرهنگی و شباهتها و تلاش برای موفقیت تحصیلی همه دانش آموزان و ایجاد آمادگی در یادگیرندگان است تا شهروندان دموکراتیک از یک جامعه پلورالیست شوند. بنابراین با توجه به مطالب ذکر شده در پژوهش حاضر به دنبال بررسی ادراک معلمان از چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی می باشیم.

¹ Crato

² Wallender

³ Bremer

روش شناسی پژوهش

این پژوهش به صورت مطالعه موردی کیفی است و مشارکت کنندگان پژوهش اعضای هیئت علمی و خبرگان هستند. با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند و تکنیک اشباع نظری، آگاهی دهندگان کلیدی (شامل ۲۰ نفر از معلمان) برای شناسایی الگوی چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی انتخاب شده‌اند و با آنها مصاحبه به عمل آمده است. ابزار مورد استفاده برای شناسایی چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی، از مصاحبه نیمه ساختمند با گروه‌های کانونی (و مطالعه اسناد بوده است. برای اعتباریابی نتایج بخش کیفی از دو تکنیک تأییدپذیری و قابلیت اعتماد به رهگیری شده که به این منظور روش همسوسازی داده‌ها^۱) بررسی میزان تناسب اطلاعات مستخرج از ۱. مبانی نظری و اصول زیر بنایی مربوط به پدیده چند فرهنگی و ۲. پژوهش‌های انجام شده در پدیده چند فرهنگی در برنامه درسی ۳. مضامین مستخرج از مصاحبه با افراد کانونی و به عبارت دیگر آگاهی دهندگان کلیدی) به کار رفته است. برای اخذ مجوز مورد نیاز برای انجام دادن مصاحبه با افراد کانونی، اقداماتی صورت گرفت که در این بخش پس از جلب همکاری صاحب نظران کلیدی برای مصاحبه و جلب اعتماد آنان رای دادن اطلاعات لازم، در زمان مقرر مراجعه و اطلاعات لازم گردآوری شده است. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌های انجام شده، با روش تحلیل مضمون^۲ انجام گرفته است.

یافته‌ها

با استفاده از روش تحلیل مضمون ابتدا مصاحبه‌های ضبط شده به صورت مکتوب درآمده سپس با یادداشت‌های برداشته شده طی جلسات مصاحبه‌ها تکمیل شده است. پس از آن با مطالعه دقیق متون، ابتدا برای هر یک از مصاحبه‌های تهیه شده، همه ایده‌های مستقل در قالب مضامین پایه شناسایی شده و به هر کدام یک کد اختصاص داده شده است. این کار برای هر کدام از مصاحبه‌ها، انجام شده و در صورت وجود بخش‌هایی با مضامین مشابه در متن مصاحبه‌های قبلی، از همان کدهای قبلی، به عنوان نشانگر آنها استفاده شده است. سپس بر اساس مضامین پایه شناسایی شده در کل پژوهش، دسته‌بندی کلی تری انجام شده که منجر به شناسایی مضامین سازمان‌دهنده و در واقع چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی شده است. در پایان مضامین فراگیر چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی با طبقه‌بندی مضامین سازمان‌دهنده ایجاد گردیده است (جدول شماره ۱).

¹ - Data Triangulation

² - Thematic analysis

جدول ۱: مضامین مربوط به چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	مضامین پایه
توسعه آگاهی از چند فرهنگی	اولویت شناخت فرهنگ اقوام	<ul style="list-style-type: none"> ● به جای اینکه به اقوام پرداخته شود بیشتر روی کشورهای همسایه تمرکز کرده ● دانش آموز ابتدا باید به رسوم و فرهنگ کشور خودش آگاهی پیدا کند بعد کشورهای همسایه را بشناسد
انسجام فرهنگی		<ul style="list-style-type: none"> ● ضرورت شناخت اقوام ایرانی و درک ضرورت همبستگی مردم ایران با یکدیگر ● ضرورت آگاهی از گذشته مردم ایران در دوران باستان ● برگزاری نمایشگاهها که معرف مشاغل، صنایع دستی، پوشش ها، فرهنگ و آداب و رسوم اقوام مختلف باشد
عدالت آموزشی		<ul style="list-style-type: none"> ● ارائه آموزش های مناسب و عادلانه برای همه دانش آموزان صرف نظر از نژاد و جنسیت، پایگاه اجتماعی و....
تقویت فرهنگی		<ul style="list-style-type: none"> ● ای کاش کلاس های ضمن خدمت برای معلمان تشکیل می شده که حداقل در اوقات فراغت یا لابه لای تدریس دانش آموزان را با فرهنگ مختلف اقوام آشنا کنند. ● حتی بعضی از معلمان هنوز ذهنیت مثبتی نسبت به فرهنگ های دیگران ندارند. ● به نظرم ابتدا باید آموزگاران با فرهنگ اقوام مختلف کشور آشنا شوند. ● در قالب کلاس های ضمن خدمت یا مطالعه منابع دیگر ● سپس این آگاهی را به دانش آموزانشان هم انتقال دهند

آزادی معلم در آموزش	<ul style="list-style-type: none"> ● مربیان پرورشی می توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا کنند چون آشنایی دانش آموزان با فرهنگ های مختلف تا حد زیادی در حوزه کاری مربیان پرورشی است. ● در جشن های مختلفی که در مدرسه برگزار می شود. ● گاهی دانش آموزان با لباس محلی حضور پیدا می کنند. ● آزی های بومی محلی برگزار می کنند. ● و این باعث تقویت فرهنگ اقوام می شود. ● طرحی در آموزش و پرورش اجرا می شود به اسم طرح بوم (برنامه ویژه مدرسه) که این فرصت خوبی به دانش آموزان می دهد که فرهنگ محلی خود را تقویت کنند. ● همچنین دست معلمان را باز می گذارد که به فرهنگ اقوام بپردازند و دانش آموزان را با آن مانوس کنند. ● به نظرم قبل از هر چیز معلمان باید این ذهنیت مثبت را نسبت به فراگیری فرهنگ اقوام به دانش آموزان داشته باشند
هم جهت بودن فرهنگ ملی و چند فرهنگی	<ul style="list-style-type: none"> ● برای تحقق این موضوع لازم است همزمان عناصر تشکیل دهنده هویت ملی نیز یادآوری گردد. ● البته عناصر هویت ملی از جمله پرچم کشور، زبان فارسی مشترک، دین مشترک در کتابهای درسی کاملاً وجود دارد و به آن پرداخته می شود. ● اما از جهت فرهنگ اقوام لازم است در برنامه های درسی بیشتر گنجانده شود. ● نسل جوان نسبت به فرهنگ خود یک مقدار دچار از خود بیگانگی شده
تفاهم فرهنگ ها	<ul style="list-style-type: none"> ● چون درسته که در برنامه درسی کمتر پرداخته شده اما از طرفی

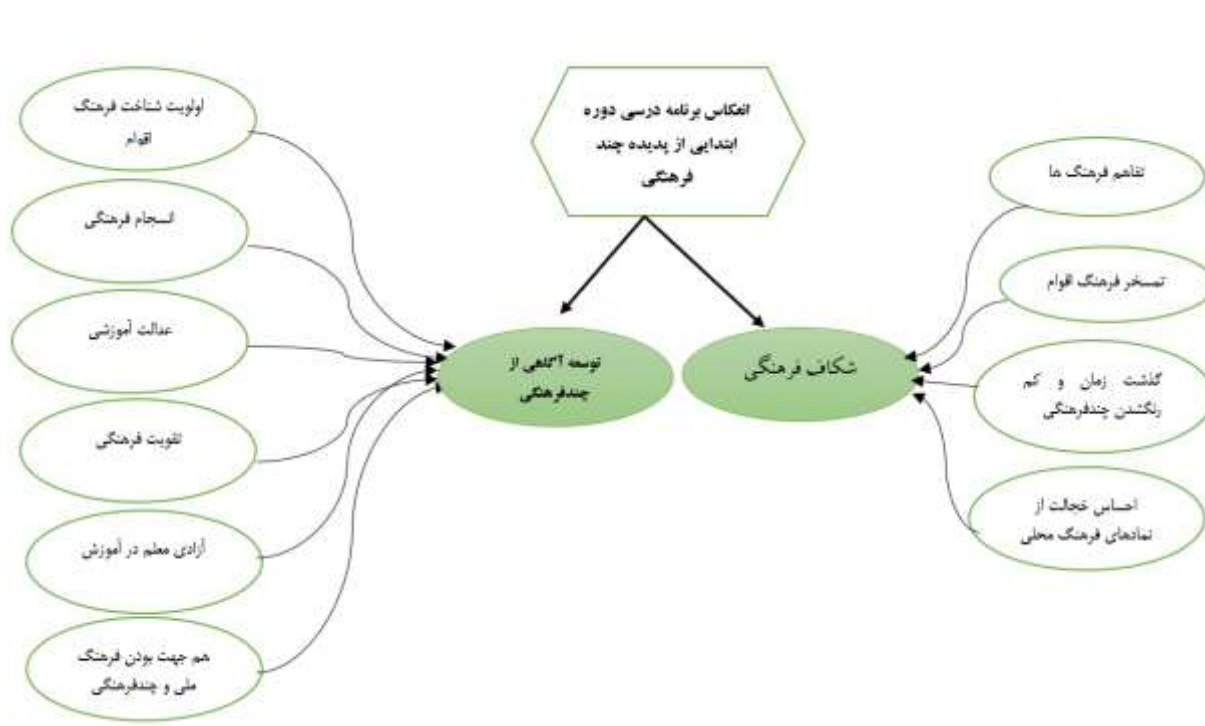
<p>دست معلم تقریباً تا حدی باز است.</p> <ul style="list-style-type: none"> • ضرورت داشتن رفتار خوب با دیگران و احترام به فرهنگ‌های دیگران به جای تمسخر • واقعا اگر به این صورت پیش بره نسل‌های آینده نسبت به فرهنگ اقوام کاملاً بی‌اطلاع و ناآشنا می‌شوند. • و در آینده جامعه دچار شکاف و گسست فرهنگی خواهد شد. • با توجه به اینکه دانش‌آموزان نسل‌های آینده را تشکیل می‌دهند و فرهنگ آینده توسط دانش‌آموزان نسل‌های فعلی پایه‌گذاری خواهد شد لازم است آنها را با فرهنگ‌های اقوام مختلف آشنا کنیم. • و ذهنیت مثبت نسبت به فرهنگ اقوام در دانش‌آموزان شکل بگیرد. • مفهوم هویت ملی هم همین است یعنی احترام به مرزهای جغرافیایی یک کشور و پذیرش آن توسط کسانی که در درون آن مرزها قرار دارند و این زمانی اتفاق می‌افتد که فرهنگ‌های اقوام شناخته شود و سپس فرهنگ اقوام در راستا و هم‌جهت با فرهنگ ملی آموزش داده شود. • معلمان و مسئولین برنامه‌ریزی احساس نکنند که فرهنگ اقوام تهدیدی برای فرهنگ و هویت ملی است. 		
<ul style="list-style-type: none"> • حتی سال به سال میزان انعکاس برنامه درسی از پدیده چندفرهنگی کاهش می‌یابد. • دانش‌آموزان آگاهی کافی نسبت به فرهنگ اقوام کسب نمی‌کنند. • و این باعث می‌شود فرهنگ‌های اقوام (لر، ترک، بلوچ و...) را به تمسخر بگیرند. 	<p>تمسخر فرهنگ اقوام</p>	<p>شکاف فرهنگی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • کم‌کم می‌بینیم فرهنگ اقوام رفته‌رفته کم‌رنگ‌تر می‌شود و ممکن است در آینده برای نسل جدید کاملاً فراموش شود. • این یک زنگ خطری برای ما معلمان است که اجازه ندهیم فرهنگ اقوام به دست فراموشی سپرده شود. • هم‌ما معلمان و هم برنامه‌ریزان درسی و هم مسئولین فرهنگ در قبال این موضوع مسئولیت داریم و آینده‌گان ما را نخواهند بخشید. 	<p>گذشت زمان و کم‌رنگ شدن چندفرهنگی</p>	
<ul style="list-style-type: none"> • مثلاً دانش‌آموزان ترک زبان از اینکه در مدرسه ترکی صحبت کنند احساس خجالت دارند. • یا در مراسمات اجتماعی از جمله عروسی‌ها دیگر کمتر لباس محلی می‌پوشند و بازی‌های محلی انجام می‌دهند. 	<p>احساس خجالت از نمادهای فرهنگ محلی</p>	

همانطور که در جدول شماره ۱ مشاهده می‌شود شکاف فرهنگی و توسعه آگاهی از چندفرهنگی اساس ادراک معلمان از پدیده چندفرهنگی می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در مضمون اول منجر به تولید چهار مضمون فرعی تفاهم فرهنگ‌ها، تمسخر فرهنگ اقوام، گذشت زمان و کم‌رنگ شدن چندفرهنگی، و احساس خجالت از نمادهای فرهنگ محلی شد اینک به توصیف مضامین فرعی تشکیل‌دهنده این مضمون اصلی می‌پردازیم:

در مضمون تفاهم فرهنگ‌ها، ضرورت داشتن رفتار خوب با دیگران و احترام به فرهنگ‌های دیگران به جای تمسخر و اینکه فرهنگ اقوام تهدیدی برای فرهنگ و هویت ملی نیست. در مضمون تمسخر فرهنگ اقوام، دانش‌آموزان آگاهی کافی نسبت به فرهنگ اقوام کسب نمی‌کنند و این باعث می‌شود که فرهنگ اقوام را به تمسخر بگیرند و فرهنگ اقوام رفته‌رفته کم‌رنگ‌تر می‌شود و ممکن است در آینده برای نسل جدید کاملاً فراموش شود و دانش‌آموزان از اینکه از نمادهای فرهنگ اقوام استفاده کنند احساس خجالت کنند. همچنین تجزیه و تحلیل مفاهیم در مضمون دوم منجر به تولید شش مضمون فرعی اولویت شناخت فرهنگ اقوام، انسجام فرهنگی، عدالت آموزشی، تقویت فرهنگی، آزادی معلم در آموزش، و هم‌جهت بودن فرهنگ ملی و چندفرهنگی گردید.

مدل نهایی تحقیق:

بعد از پایان تجزیه و تحلیل و سنجش داده های مختلف، مدل نهایی تحقیق به شکل زیر ارائه شده است.



شکل ۱ مدل مفهومی تحقیق

بنابراین مضامین فراگیر موضوع ادراک معلمان از پدیده چند فرهنگی در برنامه درسی در دو بخش قابل تبیین است:

در بخش نخست "شکاف فرهنگی" که شامل مولفه های تفاهم فرهنگ ها، تمسخر فرهنگ اقوام، گذشت زمان و کم رنگ شدن چند فرهنگی، و احساس خجالت از نمادهای فرهنگ محلی می باشد. در بخش دوم "توسعه آگاهی از چند فرهنگی" منجر به تولید شش مضمون فرعی اولویت شناخت فرهنگ اقوام، انسجام فرهنگی، عدالت آموزشی، تقویت فرهنگی، آزادی معلم در آموزش، و هم جهت بودن فرهنگ ملی و چند فرهنگی گردید.

توصیف مضامین:

در مضمون تفاهم فرهنگ ها، ضرورت داشتن رفتار خوب با دیگران و احترام به فرهنگ های دیگران به جای تمسخر و اینکه فرهنگ اقوام تهدیدی برای فرهنگ و هویت ملی نیست. در مضمون تمسخر فرهنگ اقوام، دانش آموزان آگاهی کافی نسبت به فرهنگ اقوام کسب نمی کنند و این باعث می شود که فرهنگ اقوام را به تمسخر بگیرند و فرهنگ اقوام رفته رفته کم رنگ تر می شود و ممکن است در آینده برای نسل جدید کاملاً فراموش شود و دانش آموزان از اینکه از نمادهای فرهنگ اقوام استفاده کنند احساس خجالت کنند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر مشخص نمود که ۵۱ گویه زیربنای ادراک معلمان از چگونگی انعکاس برنامه درسی دوره ابتدایی از پدیده چند فرهنگی را تشکیل می‌دهند. مصطفی زاده (۱۳۹۸) به این نتیجه رسید که ضرورت‌های تعلیم و تربیت چندفرهنگی (واقعیت‌های اجتماعی جامعه ایران، منزلت و کرامت انسانی و لزوم احترام به فرهنگ همه انسان‌ها، فقدان آموزش چندفرهنگی در نظام تربیتی کنونی، جهانی شدن و الزامات آموزشی ناشی از آن، ضرورت‌های تربیت معلمان آشنا به آموزش چندفرهنگی) نشان داد که توجه به برنامه درسی چندفرهنگی در آموزش، در شرایط کنونی جهانی و ملی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است و در پایان مؤلفه‌های آموزش چندفرهنگی مورد شناسایی قرار گرفتند که به طور خلاصه می‌توان موارد زیر را اشاره نمود: آموزش ضد تبعیض نژادی، پذیرش تنوع و تکثر، همزیستی مسالمت‌آمیز با گروه‌های دیگر، رعایت عدالت تربیتی، انعطاف در برنامه‌های درسی، تنوع در استفاده از روش‌های تدریس، تنوع در استفاده از مواد آموزشی، حق حفظ زبان‌های اقلیت می‌باشد که با یافته‌های این پژوهش همخوان می‌باشد. مکرومی (۱۳۹۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که در محتوای کتب درسی دوره ابتدایی توجه چندانی به مفاهیم آموزش چندفرهنگی نشده است. عاشوری (۱۳۹۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که میزان سواد چند فرهنگی دانش‌آموزان در هر شش مؤلفه بعد از آموزش ارتقا یافته است که این افزایش در مؤلفه‌های "همزیستی مسالمت‌آمیز" و "ارتقا درک و تحمل" بیشتر از سایر مؤلفه‌ها بوده است. جامعه ایرانی، جامعه‌ای گونه‌گون و متنوع است. مردم کشور ما را اقوام و ملیت‌های گوناگونی تشکیل می‌دهند و در واقع، ایران از جمله کشورهای جهان است که در آن خرده فرهنگ‌های گوناگون را می‌توان مشاهده کرد. وحدت و شکوفایی کشور ایران به‌عنوان یک جامعه چند فرهنگی مستلزم این است که برنامه درسی و آموزشی، به ابعاد مختلف دینی، قومی، نژادی، زبانی و فرهنگی توجه لازم و شایسته‌ای داشته باشد. اما نظام آموزش و پرورش متمرکز ایران در عصر حاضر، نسبت به تفاوت‌ها و اکثر قومی، زبانی و فرهنگی بالقوه جامعه ایران، بی‌تفاوت و حتی در تضاد است (دشتی، ۱۳۹۹). به گفته متخصصان، در دوران معاصر، گفتمان‌های متعددی به منصف ظهور رسیده که برنامه درسی را در بسترهای مختلفی مورد بحث و بررسی قرار داده است. یکی از نظریه‌های مهم در گستره تعلیم و تربیت، نظریه کثرت‌گرایی فرهنگی است. رویکرد چند فرهنگی درصدد ایجاد تعامل، تفاهم و تبادل بین فرهنگی است، به طوری که فرهنگ‌های مختلف با کمترین تنش و به صورت مسالمت‌آمیز امکان همزیستی پیدا کنند. تکثرگرایی فرهنگی این امکان را فراهم می‌کند که بدون تهدید وحدت ملی، حق دیگر فرهنگ‌ها در حفظ زبان خود در خانواده و اجتماع گروهی‌شان، حق انجام دادن مراسم دینی، حق سازمان‌دهی روابط در چارچوب خانواده و اجتماع محلی و نیز حق حفظ رسوم اجتماعی و جمعی افراد به رسمیت شناخته شود (کیارسی، ۱۳۹۵). بنابراین نقش و ادراک معلم در آموزش برنامه درسی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی از پدیده فرهنگی، اصولاً موضوع یا پدیده‌ای اجتماعی است و مربیان و معلمان به عنوان مهمترین کارگزاران این نهاد در همه دوران‌ها و در تمامی جوامع، با توجه به اهداف آن سعی داشته‌اند تا شخصیت متعلمین خود را متناسب با نیازهای جامعه و برای عضویت در جامعه و ایفای نقش در آن آماده سازند. شاید این تصور در میان عوام رایج باشد که کار معلم فقط انتقال دانش است، اما واقعیت خلاف این تصور است. معلم به عنوان رابط بین جامعه و مدرسه همواره این دو را به یکدیگر نزدیکتر می‌کند و اصولاً اگر

در جامعه ای آموزش و پرورش با زندگی فرهنگی و اجتماعی پیوند نداشته باشد، اعتبار و اهمیت خود را از دست می دهد. کودک انسان در لحظه تولد تنها یک ارگانیسم است و این یه فرایند تاثیرپذیزی از بزرگسالان است که از طریق القای مجموعه ای از ارزش های فرهنگی و اجتماعی و هنجارهای او را به یک انسان اجتماعی، که قادر به ایفای نقش های اجتماعی است، مبدل سازد. مدارس و معلمان امروز از لحاظ تغییر افراد نقشی مهم بر عهده دارند و از لحاظ انتقال دانش و مهارت های فنی به عامل نخستین فرهنگ پذیری مبدل شده اند، ولی تاثیر آنها به این امر خلاصه نمی شود. معلمین با انتقال نگرش های جدید در زمینه اخلاقی، عاطفی، فرهنگی و سیاسی موجب تغییر و پرورش اجتماعی دانش آموزان نیز می گردند. در واقع مدرسه نخستین دستگاهی است که به عنوان واسطه انتقال دانش و مهارت تاثیرات بسیاری فراتری بر افراد اعمال می کند که در این میان شاید بتوان نقش معلم را به عنوان مهمترین عامل در آموزش مناسب افراد در دوران تحصیل دانست. از سوی دیگر آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی برای انجام این وظایف خطیر به مشارکت افراد انسانی به عنوان کارگزار نیازمند است که یکی از مهم ترین این افراد معلمان اند. رابطه عاطفی بین معلم و دانش آموزان، مخصوصا در سنین کودکی، تفاوت های علمی بین آنها و اقتدار رسمی معلم، جایگاه ویژه ای برای او آماده می کند. نحوه گزینش، چگونگی تدریس و اهمیت دادن به بعضی مطالب از یک طرف و میزان تبعیت و اطاعت علمی معلم از قوانین و احساساتش نسبت به ملت و کشور خود از طرف دیگر در جامعه پذیری دانش آموزان تاثیر بسیار مهم دارد. معلم در بازسازی و اصلاح رفتار های نامطلوب و سوق دادن دانش آموزان به سوی اخلاق نیکو نقش بسزایی دارد. کار معلم در مراقبتی است از یک حیات در حال رشد، سرپرستی و راهنمایی مداوم مرتبی و زیر نظر داشتن دایمی تغییرات و تحولات جسمی و روانی و جهت دادن او به سوی اهداف عالی انسانی. در واقع آموزش و پرورش رسمی از طریق آموزش اخلاقی تهدیدهای را که به واسطه خود محوری برای نظم اجتماعی ایجاد می شود، کاهش می دهد و معلم با سجایای اخلاقی می تواند محور این تربیت باشد. از این روست که از معلمان خواسته می شود به جنبه های اخلاقی و رفتاری خود توجه داشته باشند و در انتخاب الگو و اسوه های عالی و کامل انسانی همچون پیامبر اکرم و ائمه توسل جویند، زیرا این معلم است که با توجه به ابعاد تاثیر گذار خود می تواند ارزش های اخلاقی زیادی را از طریق اعتماد سازی در فضای کلاس به دانش آموزانش منتقل کند. آموزش خصلت تواضع و فروتنی هنگامی میسر می گردد که معلم خود رفتار متواضعانه در راه رفتن، حضور در فعالیت های گروهی و ... به دانش آموزان نشان دهد. یکی از ویژگی های فرهنگ آموزشی بودن آن است که به منظور جلوگیری از نابودی آن انتقال آن از نسلی به نسل دیگر اهمیت می یابد. آموزش و پرورش و به خصوص معلمان، در انتقال فرهنگ به شیوه صحیح و انتخاب عناصر فرهنگی مناسب نقشی مهم ایفا می کنند معلمان با متمایز کردن ارزش ها مناسب از ارزش های نامناسب و متبلور ساختن سنت ها و اعتقادات ناب در وجود دانش آموزان، در حفظ استقلال فرهنگی و بازسازی فرهنگی هر کشور تاثیر گذارند. در واقع معلم عصر حاضر مسئولیتی فرهنگی در جامعه دارد.

پیشنهاد های کاربردی پژوهش

- برنامه ریزی برای آموزش معلمان در ارائه تدریس با روش مصداقی
- استفاده از روشهای تدریس مبتنی بر جامعه محلی و با استفاده از منابع جامعه محلی
- بستر سازی برای تعامل بیشتر نهادهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، دینی و ... با مدرسه و خانواده در دروه ابتدایی

- توجه به ایجاد موضوعات درسی مختلف در برنامه درسی دوره متوسطه متناسب با نیازهای جامعه محلی

نتیجه گیری

به منظور توانایی در برآوردن نیازهای جامعه و پاسخگویی به چالش‌های قرن بیست و یکم، مدارس نباید هیچ گونه مرزی با محیط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خود داشته باشند و لازم است به پایگاهی برای تبادل ثمربخش افکار تبدیل شود و افق‌های مناسب را جهت دربرگیری فرهنگ‌های موجود در جهان اعم از منطقه‌ای، ملی و ناحیه‌ای گسترش دهند. ضرورت دارد آموزش میراث فرهنگی را که براساس موادی از قبیل کتاب‌های درسی، راهنماها و مدارک دیداری و شنیداری استوار است، با همکاری نهادهای فرهنگی، دیدار از مؤسسات فرهنگی، آثار و ابنیه تاریخی و فعالیت‌های علمی همراه باشد. نظام آموزشی هر کشوری به دست معلمان آن کشور شکل گرفته و سامان می‌یابد. در این میان هر اندازه سطح دانش، توانایی، مهارت، تخصص و تعلق سازمانی آنان بالاتر باشد، آن نظام موفق‌تر، پویاتر و موثرتر خواهد بود. بی‌تردید معلم در دگرگونی نظام آموزشی به اندازه کل عوامل نظام نقش دارد و اثرگذار است، به گونه‌ای که می‌توان سطح دانش، توانایی و کیفیت علمی هر کشور را از سطح دانش، توانایی، کیفیت و مهارت معلمان آن کشور تشخیص داد. بنابراین می‌توان گفت که آموزش چندفرهنگی وسیله‌ای است برای دیدن دنیای اجتماعی از دیدگاه‌های گوناگون فرهنگی و به دور افکندن تعصباتی که گروه‌ها نسبت به یکدیگر دارند. هدف این نوع آموزش، پرورش انسانی است که بتواند در محیط متنوع امروزی فعالیت کند و به فرهنگ‌های دیگر احترام بگذارد. این تحقیق نشان داد که در محتوای برنامه‌ی درسی دوره ابتدایی توجه کمی به مفاهیم آموزش چند فرهنگی شده است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در مطالعه حاضر فرم‌های رضایت نامه آگاهانه توسط جامعه آماری تکمیل شد.

حامی مالی

هزینه‌های مطالعه حاضر توسط نویسندگان مقاله تامین شد.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

- تربیتی نژاد، حسین و بارانی، زینب، (۱۴۰۰)، بررسی مشکلات و چالش های آموزشی و تربیتی مدارس ابتدایی چندفرهنگی شهرستان سرخس، ششمین کنفرانس بین المللی نوآوری و تحقیق در علوم تربیتی، مدیریت و روانشناسی، تهران، <https://civilica.com/doc/1442806>.
- خصالی، آزاده و صالحی، کیوان و بهرامی، مسعود، (۱۳۹۴)، تحلیل ادراک و تجربه زیسته معلمان ابتدایی از دلایل ناکارآمدی برنامه ارزشیابی توصیفی کیفی: مطالعه به روش پدیدارشناسی، <https://civilica.com/doc/1437122>.
- دستی، سیده ساجده، شاکری، محسن، & کیان، مریم. (۱۳۹۹). چالش های یاددهی-یادگیری ریاضی در دوره تحصیلی ابتدایی: یک پژوهش نظریه‌ی مبنایی. *مجله مطالعات آموزش و یادگیری*، ۱۲(۲)، ۲۰۷-۲۳۰.
- سبحانی نژاد، مهدی و نجفی، حسن و احمدآبادی آرانی، نجمه و عبدالله یار، علی، (۱۳۹۸)، دلالت های برنامه درسی چندفرهنگی میشل فوکو و هنری ژیرو بر اصلاح و بازطراحی برنامه درسی دوره ابتدایی ایران، <https://civilica.com/doc/1014037>.
- صادقی، علیرضا؛ ملکی، حسن؛ قادری، مصطفی؛ هوس بیگی، فاطمه (۱۳۹۷). طراحی الگوی برنامه درسی چند فرهنگی برای دوره آموزش ابتدایی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، رساله دکتری رشته علوم تربیتی، گرایش مطالعات برنامه درسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.
- عاشوری، فریبا و صادقی، علیرضا، (۱۳۹۹)، بررسی میزان تاثیر آموزش مولفه های چند فرهنگی در ارتقای سواد چندفرهنگی دانش آموزان ششم ابتدایی شهر تهران، <https://civilica.com/doc/1253504>.
- عباسی، فرح؛ معتمد، حمیدرضا؛ قاسمی زاده، علیرضا (۱۴۰۱). طراحی الگوی عناصر برنامه درسی تاثیرگذار در موفقیت دوره ابتدایی نظام آموزشی ایران، فصلنامه نوآوری های مدیریت آموزشی، دوره ۱۷، شماره ۳ (مسلول ۶۷)، صص ۹۴-۱۱۲.
- عاشوری، فریبا، صادقی، علیرضا. (۱۳۹۹). بررسی میزان تاثیر آموزش مولفه های چند فرهنگی در ارتقای سواد چندفرهنگی دانش آموزان ششم ابتدایی شهر تهران. *فصلنامه روان شناسی تربیتی* (۵۸)، ۱۶، ۲۵۹-۲۸۵.
- عقیلی، سیده هما و علی عسگری، مجید و حسینی خواه، علی و حکیم زاده، رضوان و صادقی، علیرضا، (۱۳۹۹)، ضرورت های برنامه درسی چندفرهنگی در دوره ابتدایی: تبیین ویژگی ها بر اساس رویکرد تلفیق، <https://civilica.com/doc/1276956>.
- فرخنده، امیر و محمدی، رضوان، (۱۴۰۰)، تبیین معنای گفتمانی بودن برنامه درسی از منظر هنری آرماند ژیرو و پیجویی نگاه چندفرهنگی وی در کتاب فارسی بخوانیم کتاب اول ابتدایی، نهمین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، <https://civilica.com/doc/1433915>.
- قاسمی پورمارمی، فاطمه، (۱۴۰۱)، ادراک معلمان چندپایه ابتدایی دارای نوآموز پیش دبستانی از مولفه های برنامه درسی سیاسی در شکل گیری هویت فرهنگی نوآموزان پیش دبستانی، اولین همایش پژوهش‌مندی، <https://civilica.com/doc/1452857>.
- کاشانیان، سارا؛ محمودی، مهسا؛ صادقلو، اسما؛ معصومی نژاد، رضا (۱۴۰۰). بررسی ویژگی های روش های تدریس در برنامه درسی ملی علوم دوره ابتدایی در نظام آموزشی ایران و انگلستان: یک مطالعه تطبیقی، نشریه پژوهش در آموزش علوم تجربی، سال نخست، شماره ۲.
- کیارسی، سمیه، قائدی، یحیی، ضرغامی، سعید، & منصوریان، یزدان. (۱۳۹۵). تأثیر اجرای برنامه فلسفه برای کودکان در بالا بردن آگاهی های رسانه‌ای دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر دزفول. *علوم تربیتی*، ۲۳(۲)، ۱۵۳-۱۷۶.
- مصطفی زاده، اسماعیل، کشتی آرا، نرگس، قلی زاده، آذر. (۱۳۹۸). ضرورت های آموزش چندفرهنگی و واکاوی عناصر و مؤلفه های تعلیم و تربیت چندفرهنگی، پژوهش در برنامه ریزی درسی (۶۰)، ۱۶، ۲۰-۳۵.

مکرونی، گلاره، بلندهمتان، کیوان. (۱۳۹۳). آموزش چندفرهنگی در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی. علوم تربیتی(۱)، ۲۱،

۷۳-۹۰

محمدی، ناهید و واردان، شیوا، (۱۴۰۱)، بررسی عوامل موثر بر ادراک معلمان دوره ابتدایی شهرستان میاندوآب از نظر کنترل بر تصمیمات برنامه درسی، پنجمین کنفرانس بین المللی علوم تربیتی، روانشناسی، مشاوره، آموزش و پژوهش، تهران، <https://civilica.com/doc/1497169>.

نجفی، مینا، عابدی صدقیانی، امین، & معصومی نژاد، رضا. (۱۴۰۱). بررسی ماهیت ابعاد تربیت شهروندی در برنامه درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی. مدیریت فرهنگی، ۱۶ (شماره ۵۵)، ۳۳-۳۷.

ب- انگلیسی

Bremer, L. and van der Wende, M. (1995). Internationalizing the curriculum in higher education: Experiences in the Netherlands. The Hague: The Netherlands Organisation for International Cooperation in Higher Education.

Crato, N. (2020). *Curriculum and educational reforms in Portugal: An analysis on why and how students' knowledge and skills improved. In Audacious Education Purposes* (pp. 209-231). Springer, Cham.

Kidane, H. H., Roebertsen, H., & Van der Vleuten, C. P. (2020). Students' perceptions towards self-directed learning in Ethiopian medical schools with new innovative curriculum: a mixed-method study. *BMC medical education*, 20(1), 1-10.

Sak, U., & Ayas, B. (2020). EPTS Curriculum Model: Optimum curriculum differentiator for the education of gifted students. *Gifted Education International*, 36(2), 154-169.

Neff, J., Holmes, S. M., Knight, K. R., Strong, S., Thompson-Lastad, A., McGuinness, C., & Nelson, N. (2020). Structural competency: curriculum for medical students, residents, and interprofessional teams on the structural factors that produce health disparities. *MedEdPORTAL*, 16, 10888.

Wallender, J. L., Hiebel, A. L., PeQueen, C. V., & Kain, M. A. (2020). Effects of an Explicit Curriculum on Social-Emotional Competency in Elementary and Middle School Students. *Delta Kappa Gamma Bulletin*, 86(3).

Research Paper

Teachers' Perception of How the Primary School Curriculum Reflects The Multicultural Phenomenon

Mohammad Rahsar

Sara Nasiri

Abstract

Introduction: The purpose of this research was teachers' perception of how the primary school curriculum reflects the multicultural phenomenon.

Research methodology: Qualitative research method, qualitative case study and potential participants included 20 teachers of education.

The sampling approach was purposeful and the method of sampling key experts. Data collection continued until theoretical saturation was reached. The research tool was not a structured interview.

Findings: He discovered two overarching themes of cultural gap competence, development of multicultural awareness, as well as ten organizing themes and fifty-one basic themes about teachers' perception of how the primary school curriculum reflects the multicultural phenomenon.

Conclusion: One of the characteristics of culture is that it can be learned, and in order to prevent its destruction, it is important to transfer it from one generation to another. Education and especially teachers play an important role in transferring culture in the correct way and choosing appropriate cultural elements. Cultural independence and cultural reconstruction of each country are affected. In fact, today's teacher has a cultural responsibility in the society.